



# زن، رئیس خانواده

## کریستین کاتارینو و لورا اوسو

چرا در کشورهای جنوب بیشتر خانواده‌ها به سرپرستی زنان اداره می‌شود؟

### جوامع مبتنی بر ازدواج

در آفریقا، در بعضی جوامع سنتی مبتنی بر تعدد زوجات، مثل کواهو در کشور غنا، زنان - که از طریق مادر ارث می‌برند - سرپرست خانواده هستند. فرهنگهای دیگر کشور غنا و همچنین چندجای دیگر به زنانی که به چهل سالگی می‌رسند اجازه می‌دهند از نهاد ازدواج معاف شوند.

اما شیوه‌ای که توسط استعمار در آفریقا معمول شد و باعث گردید مردان برای کار به معادن و زمینهای کشاورزان سفیدپوست مهاجرت کنند و همچنین تحولات بعد از استقلال مثل شهری شدن، افزایش موج مهاجرت و تغییر در ساختار سنتی خانواده روی هم رفته موجب شدند بر تعداد خانواده‌هایی که توسط زنان اداره می‌شوند افزوده شود.

تعدادی از عوامل جمعیتی نیز تأثیرگذار بودند، از جمله طولانی‌تر بودن عمر زنان و تفاوت سنی بین طرفین ازدواج، که همه به معنای این است که زنان بیش از مردان بدون همسر می‌شوند.

بنا به تعریف معمول، رئیس خانواده کسی است که از طرف خود او و دیگر اعضای خانواده به این عنوان شناخته می‌شود. در بعضی کشورهای جنوب برداشت پدرسالارانه‌ای از خانواده وجود دارد که زنان سرپرست خانواده را وامی‌دارد تا خود را سرپرست به حساب نیاورند؛ به همین دلیل آمارگران تعداد آنها را بسیار کم برآورد کرده‌اند.

دولتها و سازمانهای دولتی و غیردولتی کمک به توسعه، کالاهای و خدمات را به رئیس خانواده که منبع اصلی حامی خانواده است، تحویل می‌دهند. به همین دلیل شناسایی اجتماعی زنان به عنوان سرپرست خانواده بسیار اهمیت دارد. علاوه بر موقیتهای پذیرفته شده‌ای که در آنها یک زن نقطه اتکای خانواده است (بر اثر بیوه شدن، مهاجرت شوهر، بی همسری، ازدواج ناپایدار و چندهمسری بدون هم سکنائی)، مواردی هست که زن با مردی زندگی می‌کند که قادر نیست یا نمی‌خواهد خانواده را تأمین کند.

بالا، یک زن بازرگان و سرپرست خانواده در داتولا (کامرون).



## گونگونی منطقه‌ای

آمار سازمان ملل نشان می‌دهد که در اوائل دهه ۱۹۸۰، خانواده‌های با سرپرست زن ۳۰ درصد از کل خانواده‌های آمریکای لاتین و منطقه کارائیب، ۲۰ درصد خانواده‌های افریقا و کمتر از ۱۵ درصد خانواده‌ها را در آسیا تشکیل می‌دهند. کمترین نسبت خانواده‌های با سرپرست زن در کشورهای ساحل و شمال افریقا (به علت نفوذ مذهب، طبیعت شدیداً پدرسالارانه این جوامع و شکل‌های سنتی هم‌سکنایی)، و در دیگر کشورهای اسلامی مثل ایران، کویت، پاکستان و اندونزی دیده می‌شود.

در امریکای لاتین و ناحیه کارائیب، دستمزد پایین و بیکاری ناشی از رکود اقتصادی مانع می‌شود تا مردان نقش سنتی خود را در جامعه ایفا کنند. احساس ناکامی ناشی از آن ممکن است آنان را به ترک خانواده‌هایشان وادار کند. شیوه زندگی مردان عیاش، یعنی مردانی که برای حفظ موقعیتشان به عنوان مرد زندگی پر زرق و برق و پر هزینه‌ای دارند، ممکن است آنها را به فرار از مسئولیت‌های پدریشان وادارد و در نتیجه خانواده‌های خود را ترک گویند.

در افریقا، مهاجرت شوهر می‌تواند مسئولیت‌های بیشتری را به زن تحمیل کند، زیرا باید زمین خانواده را کشت کند، در حالی که وقتی زنی خانه را ترک می‌کند فقط باید از اعضای خانواده‌ای که در دهکده بر جای نهاده، حمایت اقتصادی به عمل آورد. این زنانگی محیط خانواده‌ها همچنین بر اثر چند زنی بیشتر می‌شود، زیرا مرد فقط با یکی از زنانش زندگی می‌کند و زنان دیگر خانه‌های خود را برپا می‌سازند. شکل دیگری از چند زنی بدون هم‌سکنایی هنگامی وجود دارد که شوهر به شهر مهاجرت و در آنجا ازدواج می‌کند، به طوری

که هم دارای خانواده شهری می‌شود و هم روستایی. و بالاخره اینکه، جداییها و طلاقها نمایانگر اصول نهادهای مرسوم خانوادگی است زیرا دیگر امکان حل اختلافات زناشویی توسط جامعه وجود ندارد.

### عامل سن

احتمال اینکه زنان سرپرست خانواده بشوند، با پیر شدن آنها افزایش می‌یابد. این احتمال برای زنان جوان بسیار اندک است، اما از سن سی و پنج سالگی زیادتر می‌شود و پس از شصت و پنج سالگی به اوج خود می‌رسد. در آسیا و افریقا و اقیانوس آرام تقریباً نیمی از زنان سرپرست خانواده بیوه هستند و در مقابل ۲۸ درصد در امریکای لاتین و منطقه کارائیب چنین وضعی دارند (۳۶ درصد مجرد هستند). بیشتر زنان سرپرست ازدواج کرده یا مجردند تا طلاق گرفته، بویژه در آسیا و اقیانوسیه، جایی که نسبت زنان مطلقه بخصوص اندک است.

به این ترتیب احتمال اینکه زنی سرپرست خانواده شود با پایین و بالا رفتن سن نوسان پیدا می‌کند؛ او ممکن است در طول عمر خود چندین بار این موقعیت را به دست آورد و از دست بدهد.

### مشاغل کم‌مزد

زنان سرپرست خانواده از لحاظ استخدام و دستمزد به خدمات به صرف زن بودن ممکن است مورد تبعیض واقع شوند. این امر آشکارا محدود کننده منابع مالی آنان است. با توجه به اینکه زنان غالباً باید فعالیتهای مادرانه و کسب درآمد را با هم بیامیزند، معمولاً در پی یافتن شغل در بخش



سیمون دو بووار (۱۹۰۸ - ۱۹۸۶)، نویسنده، فرانسه.



ویرجینیا وولف (۱۹۲۱ - ۱۹۸۲)، داستان‌نویس، بریتانیا



یک مرد متشخص کامرونی و تعدادی از زنانش.



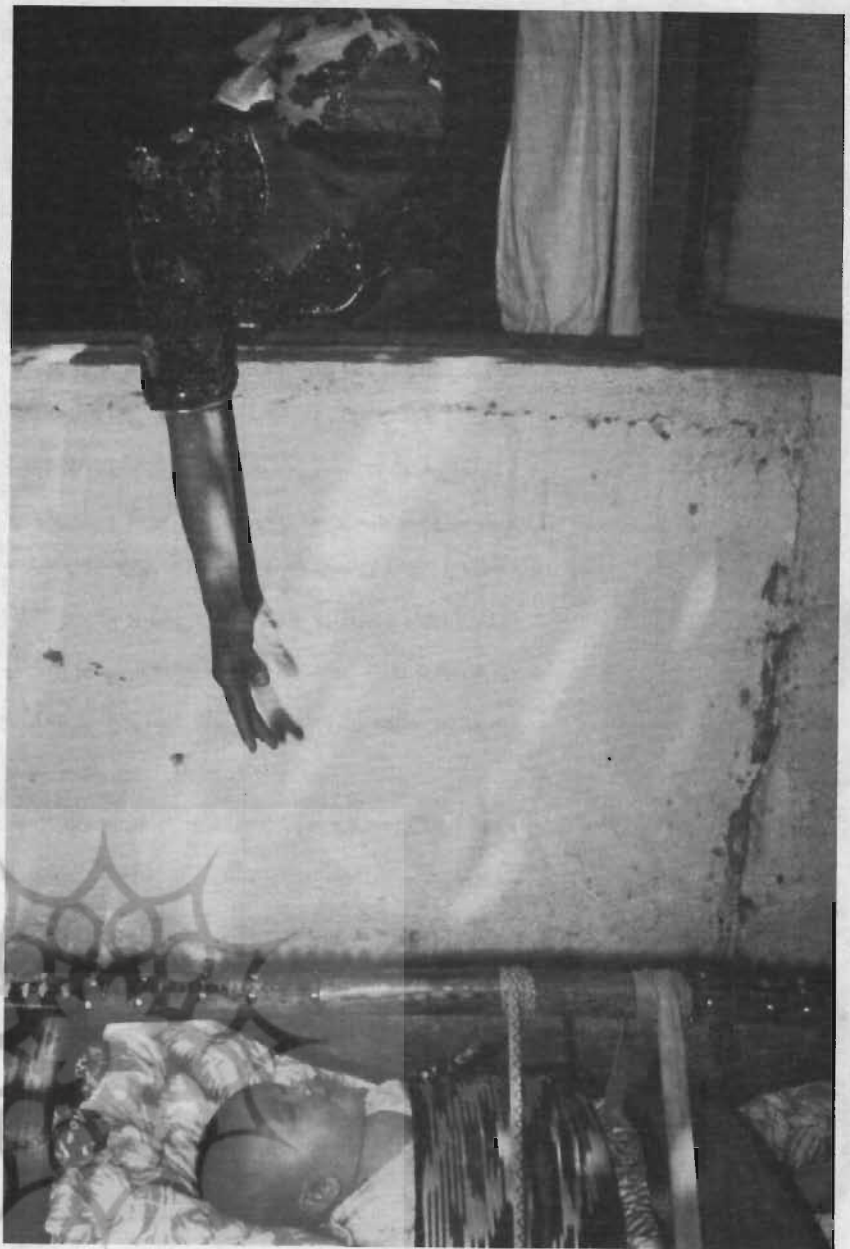
### انتخاب یا اجبار؟

اما زنان به انتخاب خود سرپرست خانواده می‌شوند، یا تحت شرایط به این کار تن در می‌دهند؟ در امریکایی لاتین و منطقه کارائیب دو رویکرد مشخص به این مسئله وجود دارد. بنابر یک رویکرد، اشتغال ناقص و عدم اشتغال مانع می‌شود تا مردان به عنوان نان‌آور عمده خانواده عمل کنند، و در نتیجه زنان کارهای مزدوری بیشتری انجام می‌دهند. بنابر رویکرد دیگر، افزایش تعداد زنان سرپرست خانواده نتیجه خودمختاری بیشتر زنان است که خود ناشی از افزایش درآمد آنها از کارهای مزدوری است. در هر دو مورد افزایش درآمد زنان نقش آنان را در خانواده بالا می‌برد. خودمختاری نوین آنان گاهی به روابط زناشویی اکراه‌آمیز می‌انجامد.

پژوهندگان دیگر معتقدند که زنان در افریقا و امریکای لاتین اشتیاق زیادی دارند که خود را از موقعیتی اجتماعی که در آن ارزشهای مردسالارانه نفوذ دارد، برکنار بمانند.

آیا زنان داوطلبانه سرپرست خانواده می‌شوند یا غیرداوطلبانه؟ این نکته مسئله عظیم‌تری را پیش می‌کشد که آیا موقعیت آنها شکلی از رهایی است یا نشانی از یک موقعیت وخیم‌تر. انتخاب دلخواه یک زن برای سرپرستی خانواده اغلب بخشی از تلاش او برای هویتی است که از آنچه بر خانواده و واحد زناشویی استوار است، فراتر می‌رود؛ از سوی دیگر برای زنی که چنین نقشی را غیرداوطلبانه بر عهده می‌گیرد، به معنای پذیرش محدودیت بعضی از آرزوهای خود است.

یک گروهی در دهکده‌ای در لستو. بیشتر مردان در افریقای جنوبی کار می‌کنند، و زنان اقتصاد محلی را می‌گردانند، هرچند که سنت اقتضا می‌کند که آنان اقتدار رئیس قبیله را به رسمیت بشناسند (راست).



یک مادر و کودک در یک مزرعه اشتراکی در تاجیکستان.

غیررسمی بازار (گار خانگی، فروشندگی خیابانی، خدمتکاری که مستلزم آموزش کمتر است) هستند، زیرا این بخش انعطاف‌پذیری بیشتری دارد. در بسیاری موارد اینها مشاغل نیمه‌وقتی هستند که مزدهای نسبتاً کم و امکانات محدودتر برای بهبود موقعیت اجتماعی از مشخصات آنهاست. یک دلیل ارائه شده برای موقعیت نازل زن در بازار کار سطح آموزش آنان است.

در بسیاری از کشورها زنان فاقد حق مالکیت بر زمین‌اند، و مردان به عنوان افراد مقتدر سنتی در زمینه دسترسی به اعتبار، تکنولوژی و برنامه‌های اجتماعی، از امتیاز بیشتری برخوردار می‌شوند.

شبکه‌های حمایتی، در بسیاری موارد بر اساس پیوندهای خانوادگی زنانه، وجود دارند و به رهایی از فقر کمک می‌کنند. علاوه بر این، تعدادی از زنان مهاجر، به عنوان سرپرستان غیر رسمی خانواده‌ها، از سوی شوهرانشان کمک

کریستین کاتارینو  
(Ch. Catarino).

جامعه‌شناس فرانسوی - پرتغالی که به زمینه‌های مهاجرت زنان و مسائل بهداشتی علاقه‌مند است. لورا اوسو (L. Oso)، جامعه‌شناس اسپانیایی و متخصص در مسائل مهاجرت‌های بین‌المللی و مشکلات مربوط به زنان و توسعه.